

# شرح وظائف واعضان

(تولید و مرجان در وظایف خطیبا و کویندگان و وعاظ)

علامه حاج میرزا حسین نوری طبرسی



انتشارات نور محبت



◇ چاپ اول: ۱۳۹۲

◆ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۷۸-۶۰۰-۶۹۳۷-۷۶-۷ ش

سرشناسه :  
عنوان و نام پدیدآور : شرح و ظایف واعظان : مرحمان در وظایف خطبا و گویندگان و وعاظ/ حسین نوری طبرسی.  
مشخصات نشر : تهران : نور محبت، ۱۳۹۲.  
مشخصات ظاهری : ۷-۷۶-۶۹۳۲-۶۰۰۰۹۷۸-۲۵۰۰ ریال  
شابک :  
وضعیت فهرست نویسی : فیا  
پادداشت : کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران مختلف چاپ شده است.  
پادداشت : کتاب حاضر نخستین بار با عنوان "لولو و مرصع" چاپ شده و منتشر شده است.  
پادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.  
پادداشت : واژه‌نامه.  
عنوان دیگ : لولو و مرصع در وظایف خطبا و گویندگان و وعاظ.  
عنوان دیگر : لولو و مرصع در آداب اهل مبشر.  
موضوع : خطبها  
موضوع : روضخوانی  
موضوع : واعظان  
موضوع : اسلام -- تبلیغات  
رده بندی کنگره : ۹۹۱۳۹۲ : ۹۹۱۳۹۲/۹۹۱۳۹۲  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۴۲  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۴۳۳۱۳

## فهرست

## Contents

|                                                                                                |    |
|------------------------------------------------------------------------------------------------|----|
| فهرست                                                                                          | ۵  |
| مقدمه ناشر                                                                                     | ۷  |
| مرحوم محدث میرزا حسین خاوری؛ عالمی زاهد و فقیهی عابد بود. (امام خمینی(ره)، چهل حدیث، ج ۱، ص ۲) | ۷  |
| پیش‌گفتار مولف                                                                                 | ۱۱ |
| مقدمه                                                                                          | ۱۳ |
| فصل اول (در اخلاص)                                                                             | ۲۰ |
| فصل دوم                                                                                        | ۵۲ |
| در بیان شرط پلّه دوم منبر روضه‌خوان که صدق است                                                 | ۵۲ |
| مقام دوم                                                                                       | ۶۰ |
| مقام سیم                                                                                       | ۸۲ |
| مقام چهارم                                                                                     | ۹۱ |

مقام پنجم ..... ۱۲۰

خاتمه ..... ۱۷۹

واژه‌نامه ..... ۱۸۸

www.ketab.ir

## مقدمه

مرحوم محدث ما، امیر حسین نوری؛ عالمی زاهد و فقیهی عابد بود.  
(امام خمینی (ره)، «چهل حدیث ج ۱، ص ۲)

هر مکتبی اگر چاشنی، را عاقل نداند، بسته باشد و صرفاً مکتب و فلسفه و فکر باشد، آنقدرها در روحها نفوذ ندارد. پس باید اولی اگر يك مکتب چاشنی از عاطفه داشته باشد، این عاطفه به آن چاشنی دهد. معنا و فلسفه يك مکتب، آن مکتب را روشن می‌کند، به آن مکتب منطبق می‌دهد، آن مکتب را منطقی می‌کند. بدون شك مکتب امام حسین منطق و فلسفه دارد. درس است. باید آموخت اما اگر ما دائماً این مکتب را صرفاً به صورت يك مکتب فکری نگردانیم حرارت و جوشش گرفته می‌شود و اساساً کهنه می‌گردد.

این، بسیار نظر بزرگ و عمیقانه‌ای بوده است، يك دوراندیشی فوق‌العاده. جیب و معصومانهای بوده است که گفته‌اند برای همیشه این چاشنی را از دست ندهیم، چاشنی عاطفه، ذکر صیبت حسین بن علی علیه السلام یا امیر المؤمنین یا امام حسین یا ائمه دیگر و یا حضرت زهرا (سلام الله علیها). این چاشنی عاطفه را ما حفظ و نگهداری کنیم.

سال ۱۲۵۴ قمری در روستای «یالو» از روستاهای نور در استان «مازندران» - کودکی به دنیا آمد که «حسین» نام گرفت. طولی نکشید که با پشتکار و علاقه ای که

در یادگیری مطالب دینی داشت، به جمع محدثین و علمای بزرگ اسلام وارد شد. حسین یا میرزا حسین نوری را باید از علمای بنام ایران در دوره قاجاریه دانست. وی به سبب نوشتن کتاب «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل» و کتاب‌های دیگری که در حوزه اسلام و حدیث نوشته است در ردیف مصنفان طراز اول چند قرن اخیر قرار دارد.

تبحر و زیر دستی او در «حدیث» تا حدی بود که به «محدث نوری» معروف شد. محدث نوری پس از سال‌ها تلاش در عرصه‌های دینی و خدمات بسیار و نوشتن بیش از ۳۰ کتاب در روز چهارشنبه ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۰ قمری در نجف اشرف از دنیا رفت و براساس وصیتش، در ایوان سوم دفن شد.

ایشان شاگردان برجسته‌ای می‌توان به: شیخ عباس قمی، شیخ فضل الله نوری، شیخ آقا برگ تهرانی، شیخ محمد حسین کاشف الغطا اشاره کرد. برخی آثار محدث نوری عبارتند از: «نفس الرحمان فی فضائل سلمان»، «دار السلام فیما یتعلق بالمسائل المنزلیه»، «دیوان اشعار فارسی موسوم به مولودیه»، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، «انجم الثاقب فی احوال الامام الغائب»، «لؤلؤ و مرجان در شرط پله اول مرحوم روضه خندان».

درمیان کتاب‌های چاپی در «مرجان» از جمله آثار محدث نوری به شمار می‌رود که به زبان فارسی به نگارش درآمده است. این اثر در تحریر مسائل مربوط به تبلیغ درست دین راستین خدا در رسالت حقیقی و زلال آن به طبقات عمومی جامعه محسوب می‌شود.

این اثر از جمله کتاب‌های تاثیرگذار بر سخنان استاد مرتضی مطهری در روشن گری دینی و مبارزه با جهل و خرافات است که در کتابی به نام «حماسه حسینی» به چاپ رسید.

مطهری در یکی از سخنرانی‌های خود که در کتاب «حماسه حسینی» منتشر شده است، در مورد «لؤلؤ و مرجان» چنین می‌گویند: «مرحوم حاج میرزا حسین نوری - اعلی الله مقامه - استاد مرحوم حاج شیخ عباس قمی بسیار مرد فوق العاده‌ای بوده است. محدث است، در فن خودش فوق العاده متبحر است؛ عجیب متبحر است. از آن حافظه‌های بسیار قوی بوده است و مرد با ذوقی هم بوده است و مرد با شور،

با حرارت، با ایمان. کتابی در موضوع منبر نوشته است به نام « لؤلؤ و مرجان ». این کتاب با اینکه کتاب کوچکی است، فوق العاده کتاب خوبی است. در این کتاب راجع به وظایف اهل منبر سخن گفته است. همه ی این کتاب در دو فصل است: يك فصل در اخلاص، یعنی خلوص نیت، که وقتی منبر می رود، روضه می خواند به طمع پول نباشد، به طمع دیگر نباشد، و چقدر عالی در این موضوع بحث کرده است.

پایه دوم صدق و راستی است و در اینجا است که موضوع دروغ گفتن را مطرح کرده است. انواع دروغ ها را بیان کرده، که من خیال نمی کنم در هیچ کتابی درباره ی دروغ به طور کلی، به اندازه ای که در این کتاب بحث شده است، بحث شده باشد.

چهار روایت از انواع دروغ آنجا ذکر و تشریح شده است. چنین کتابی شاید در دنیا وجود نداشته باشد. عجیب این مرد تبصر به خرج داده است، این مرد بزرگ، در همین کتاب خودش نمونه هایی، آن هم نمونه هایی از دروغ هایی که معمول است و اینها را به این حادثه ی بزرگ، حادثه ی تاریخی کربلا، نسبت می دهند ذکر کرده است. آنچه من عرض می کنم تا اینجا به ی آنها همان هایی است که مرحوم حاجی نوری هم از آنها ناله کرده است. همین مرد بزرگ صریحا می گوید: امروز باید عزای حسین را گرفت، اما برای حل این مشکل عصر ما يك عزای جدید است که در گذشته نبوده است و آن عزای جدید این همه دروغ ها است که درباره ی حادثه ی کربلا گفته می شود و احدی جلو این دروغ ها را نمی گیرد. امروز بر این مصیبت حسین بن علی باید گریست، نه بر آن شمشیرها و نیزه هایی که در این روزگار شریفش وارد شد.

و در مقدمه ی کتاب نوشته است که فلان عالم بزرگ، از علماء هندوستان نامه ای به من نوشته است و از روضه های دروغی که در هندوستان خوانده می شود شکایت کرده و از من خواهش کرده است که يك کاری بکنم، کتابی بنویسم که جلوی روضه های دروغ در آنجا گرفته شود. بعد مرحوم حاجی به این عبارت ذکر کرده است: « نویسد که این عالم هندی خیال کرده که روضه خوان ها وقتی به هندوستان می روند دروغ می گویند، نمی داند که آب از سر چمه گل آلود است، مرکز روضه های دروغ، کربلا، نجف و ایران است. همان مراکز تشیع مرکز روضه های دروغ است.

با توجه به اینکه محدث نوری کتاب حاضر را در سال های پایانی عمر به نگارش در آورده است، باید گفت، این اثر حاصل سال ها مشاهده و تحقیق يك استاد برجسته

محسوب می شود. وی فصل اول را «اخلاص» می نامد و در چهار قسمت بلاها و گرفتاری های بی را که گریبان گیر افراد بی اخلاص می شود با استناد به آیات و روایات بیان می کند.

اول: از ثواب ها بی که برای منبری و روضه خوان با اخلاص بیان شده بی بهر می مانند.

دوم: جزء گروهی که آل محمد(ص) را سرمایه ی تجارت خود کرده اند قرار می گیرد.

سوم: جزء گروهی که آخرت را به دنیا فروخته اند قرار می گیرند.

چهارم: جزء گروهی که دیگران را امر به معروف می کنند و خود غافلند قرار می

نهند. در فصل دوم با جمله ی: «مسموع شد که بعضی از این طایفه، به جهت رواج بازار خود را «اخلاص» را در این عبادت برداشته، و «ریا» را در آن جایز دانسته، بلکه آن را از فضایل مخصوص ائمه سیدالشهداء علیه السلام شمرده اند!» (۲) و با بیان دلالی که ریا در همه اعمال رصه نشده است، به پایان می برد.

در فصل دوم که صفت منسوب است: «در بیان شرط پله ی دویم منبر روضه خوان که صدق است و توضیح آن بدین می شود در ضمن چند مقام؛ اول: در ستایش صدق و بزرگی مرتبه آن. دوم: در دمت دروغ گفتن و مفاسد آن در دنیا و آخرت. سوم: در ذکر بزرگی مصیبت دروغ و آبرو بستن خداوند تبارک و تعالی- و رسول خدا(ص) و ائمه طاهرين(ع). چهارم: در اشاره به غلبه دروغ و احکام آن. پنجم: در بیان مراد از «صدق» و «راست گویی» در این مقادیر»

بعد از این پنج مقام چهار قسمت را با نام «تنبیه» می نامد، که به بررسی بعضی تحریفات در حوادث مربوط به ائمه خصوصا امام حسین(ع) و حمله ی عاشورا می پردازد.

در بخش پایانی کتاب که «خاتمه» نام دارد، نویسنده به بیان وضعیت شیعیان و حاضرین در مجلس می پردازد.

برای استفاده آسان از کتاب در انتهای آن واژه نامه نیز افزوده شده است.

## پیش‌گفتار مؤلف

ستایش بیرون از اندیشه و حس و سزاوار قادری است که از سوزش برق خاطف، و ناله رعد قاصف، ابر تیره را بگشاید، و ابروهای تیرسان اشک دیدگانش قلب زمین را بشکافد، و به منابر اشجار باغ فارسی بکین، و کرسی‌های نباتات لطیف رنگین، شستان جهان را آرایش نماید، و به زبان آسمان باران گوناگون، و ذاکران گل‌های رنگارنگ با پیراهن واژگون، زمزمه توحید و تسبیح سبحان و ندای کُلِّ مَنْ عَلَیْهَا فُانْ را به گوش هوش عالمیان برساند.

و خلعت رسای درود نامعدود شایسته آن قامتی است که در سبزه‌های محبوب تیرهای بلا را به جان خرید، و سخنان زشت ناگوار از مشرکین بشوید، و اسرار ابلاغ رسالت نکشید تا آنکه روح انسانی در هیکل بنی آدم دمید، و آل اطهار را بجوای واقعه، و انوار غیاهب، و هدف‌های سهام مسموم مصائب.

و بعد چنین گوید بنده مجرم مُسی حسین بن محمدتقی نوری طبرستان: **اللَّهُ تَعَالَى حَلَّ الصِّدْقِ وَالْيَقِينِ، وَ جَعَلَ لَهُ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ** ۲ - که جناب الهی عامل الجلیل، و الفاضل الکامل النبیل، حامی حوزه‌الدین، و ماحی بدع المشرکین و الملحدین، صاحب التّصانیف الرّشیقة و المؤلّفات الاتیقة، الحبر الثّقاد الخبیر، و العلیم الوّقاد البصیر، السّید السّند المؤیّد المجتبی:

۱/ اشاره به آیه ۲۶ از سوره الرحمن.

۲ - خداوند خلعت‌های راستی و یقین را بر او پیوشاند و آوازه‌ای نیکو در میان آیندگان از او به یادگار گذارد.

مولوی سید محمد مرتضیٰ جونپوری هندی - آئیدہ اللہ تعالیٰ - مکرر از آنجا به حقیر شکایت از ذاکرین و روضه خوانان آن صوب کرده که در گفتن دروغ حریض و بی‌باک، و اصرار تام در نشر اکاذیب و مجعولات دارند، بلکه نزدیک به آن رسیده که آن را جایز دانند و مباح شمارند، و چون سبب گریانیدن مؤمنین است از دایره عصیان و قبیح او را بیرون دانند؛ و امر فرمود که چند کلمه در این باب به طریق موعظه و مجادلہ حسنه نوشته، شاید سبب تنبہ و دست برداشتن از این قبايح شود.

و ظاهراً جناب ایشان گمان دارند که در عتبات عالیات و بلاد مقدسہ ایران، این طائفه از این غائله آسوده، و دامن عفت ایشان به لوٹ کذب و افترا آلوده نیست، و این خرابی بی منتهی متحصر است در همان بلاد؛ غافل از آنکه نشر خرابی از سرچشمه، و در هر منتهی شده منتهی به مرکز علم و حوزه اهل شرع آفتاب عالیہ است، چه اگر اهل علم و ایمان نمی‌کردند و مراقب تمیز صحیح و سقیم و صدق و کذب گفتار این طایفه نمی‌شدند و از سخن اکاذیب نمی‌کردند کار خرابی به اینجا نمی‌رسید و به این حد بی‌باک و بی‌منتهی نمی‌رسیدند، و به این قسم اکاذیب واضحه معلومه نشر نمی‌کرد و مذهب حقہ امامیہ را مورد سخریہ و استهزاء نمی‌شدند و هرگز این مجالس شریفه به این گونه بی‌وقف و برکت نمی‌شد.

به هر حال این حقیر به خدا تعالیٰ به کتاب «مستدرک» نتوانستم مسوول ایشان را اجابت نمایم تا در این مقام - که بحوالہ اللہ تعالیٰ - از این خدمت خود فارغ شدم، حسب الامر مختصری در کیفیت سبب این طایفه و دخولشان در این شغل نوشتم و نام آن را لؤلؤ و مرجان در شرط پلوس و گرمسار روضه خواندن گذاشتم. رجاء واثق از الطاف غیبیہ الہیہ و نظر لطیف مرحمت ولی عصر و امام زمان - صلوات اللہ علیہ - که به منصف قبول رسیده لامحاله سبب تنبہ و رجوع بعضی از ایشان شده، دست از تمام یا عمدہ آن اکاذیب و فساد اعظم دیگر به این اشاره خواهد شد - ان شاء اللہ تعالیٰ - بردارند.

و این رساله مشتمل است بر مقدمه و دو فصل و خاتمه.

## مقام

مخفی مصائب به گمراهی، مؤمنین و واداشتن ایشان به گریستن و ناله کردن بر مصائب وارده بر سر ابی عبد الله (علیه السلام) و سایر اهل بیت (علیهم السلام) به خواندن مرثیه و ندبه کردن و ذکر کیفیت مصائب و غیر آن از آنچه در شرع مطهر نهی از آن نشده و محذوری در آن نباشد از یاداد و تمدح مستحسنه است که برای آن ثوابهای جزایله و اجرهای جمیله مقرر فرمودند. بنابراین در «کامل الزیارة» مروی است که حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند به عبدالله بن حماد (رضی الله عنه):

تَلْغَنِي أَنْ قَوْمًا يَأْتُونَهُ - يَعْنِي الْحُسَيْنَ (علیه السلام) - مِنْ نَوَاحِي الْكُوفَةِ وَ نَاسًا مِنْ غَيْرِهِمْ وَ نِسَاءً يَنْدُبْنَهُ، وَ ذَلِكَ فِي التَّحْفِ مِنْ شُعْبَانَ قَمِينَ تَبِينِ قَارِعَ يَفْرَأُ وَ قَاصٌّ يَقْصُ، وَ نَادِبٌ يَنْدُبُ، وَ قَائِلٌ يَقُولُ: أَلَسْنَا بِكَ نَعْمَ جَعَلْتَ فِدَاكَ، قَدْ شَهِدْتُ بَعْضَ مَا تَصِفُ. فَقَالَ: جَعَلْتُ عَيْنِي بِكَ جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ إِلَيْنَا وَ يَمْدَحُنَا وَ يُرِثُنَا عَلَيْنَا وَ يَجْعَلُ عَلَيْنَا وَ يَطْعُنَ عَلَيْنَهُمْ مِنْ قَرَابَتِنَا أَوْ لِنَا مِنْ غَيْرِهِمْ يَهْدُ دُونَهُمْ وَ يَقْصُرُونَ يَصْنَعُونَ.

به من رسیده که گروهی می آیند نزد حسین (علیه السلام) از اطراف کوفه، و مردمانی از غیر ایشان و زنانی که برای آن حضرت نوحه گری می کنند، و این در نیمه ماه شعبان است. پس بعضی قرائت می کنند و بعضی قصه می خوانند (یعنی کیفیت شهادت و سایر مصائب را ذکر می کنند)

و پارامای نوحه‌گری می‌کنند و برخی مرثیه می‌خوانند. پس گفتم: آری، فدایت شوم، ملاحظه کردم پارامای از آنچه بیان فرمودی، پس فرمود: حمد خداوندی را که قرار داد در میان مردم کسانی را که به نزد ما می‌آیند و ما را مدح می‌کنند و مرثیه می‌خوانند برای ما، و قرار داد دشمن ما را کسانی که طعنه می‌زنند بر ایشان از خویشان ما یا از غیر ایشان، و تهدید می‌نمایند ایشان را، و زشت می‌شمارند کارهای ایشان را.

از آنجا که در کتاب «عیون» شیخ صدوق مروی است که حضرت رضا (علیه السلام) فرمود به حسین بن علی بن فضال:

لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعَيُونُ<sup>۱</sup>

یعنی ای حسین! من ندیدم که تو گریه کنی در روزی که گریه‌گران نشود در آن روز که دیه گریه‌گران شود.

و در «کامل» و «ثواب مال» و «امالی» مروی است که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود به ابی عماره (رضی الله عنهما):

مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ سَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - فَأَبْكِي خَمْسِينَ  
قَلَّةَ الْجَنَّةِ. وَ مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) شِعْرًا فَأَبْكِي ثَلَاثِينَ قَلَّةَ الْجَنَّةِ.  
وَ مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَشْرِينَ قَلَّةَ الْجَنَّةِ. وَ مَنْ أَشَدَّ فِي  
الْحُسَيْنِ (عليه السلام) شِعْرًا فَأَبْكِي عَشْرَةَ قَلَّةَ الْجَنَّةِ. وَ مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَأَبْكِي  
وَاحِدًا قَلَّةَ الْجَنَّةِ. وَ مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَأَبْكِي قَلَّةَ الْجَنَّةِ. وَ مَنْ أَشَدَّ  
فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَأَبْكِي قَلَّةَ الْجَنَّةِ.<sup>۲</sup>

هر که بخواند شعری در مصیبت حسین بن علی (علیه السلام) بیست بار بگریاند، سی و پنج نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بخواند در مصیبت حسین (علیه السلام) یک بار بگریاند، سی نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بخواند در مصیبت حسین (علیه السلام) بیست نفر را پس بگریاند، سی و پنج نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بخواند در مصیبت حسین (علیه السلام) بیست نفر را پس بگریاند، سی و پنج نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بخواند در مصیبت حسین (علیه السلام) بیست نفر را پس بگریاند، سی و پنج نفر را پس برای اوست بهشت.

۱- عیون اخبار الرضا ۱/۲۹۴

۲- کامل زیارات، باب ۳۳ ص ۱۰۵.

حسین (علیه السلام) شعری پس بگیراند یک نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بخواند شعری در مصیبت حسین (علیه السلام) پس بگیرد پس برای اوست بهشت. و هر کس شعری بخواند در مصیبت حسین (علیه السلام) پس خود را به گریه وادارد پس برای اوست بهشت. و نیز در «کامل الزیارة» مروی است از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمود به ابی هارون بکفوف (یعنی نابینا):

يَا هَارُونَ، مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَائِكِي عَشْرَةَ (قُلَّةَ الْجَنَّةِ).  
ثُمَّ جَعَلَ يَنْقُصُ وَاحِدًا وَاحِدًا حَتَّى بَلَغَ الْوَاحِدَ فَقَالَ: مَنْ أَنْشَدَ فِي  
الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَائِكِي وَاحِدًا قُلَّةَ الْجَنَّةِ.

ای ابو هارون! هر که بخواند شعری در مصیبت حسین (علیه السلام) پس بگیرد یک نفر را پس برای اوست بهشت، پس پیوسته کم می‌کرد تا رسید به یک نفر پس فرمود: هر که بخواند در مصیبت حسین (علیه السلام) شعری پس بگیرد یک نفر را پس برای اوست بهشت.

و نیز در آنجا و در «ثواب الاعمال» مروی است از آن حضرت (علیه السلام) که فرمود به ابی هارون:

مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) شِعْرًا قَائِكِي عَشْرَةَ كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ. وَ  
مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) شِعْرًا قَائِكِي وَابْنِي خَمْسَةَ كُتِبَتْ لَهُمُ  
الْجَنَّةُ. وَ

مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) شِعْرًا قَائِكِي وَابْنِي خَمْسَةَ كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ.

هر کس بخواند شعری در مرثیه حسین (علیه السلام) پس بگیرد و بگوید یک نفر را نوشته شود برای ایشان بهشت. و هر که بخواند در مصیبت حسین (علیه السلام) شعری پس بگیرد و بگیراند پنج نفر را پس نوشته شود برای ایشان بهشت. و هر که بخواند در مصیبت حسین (علیه السلام) شعری پس بگیرد و بگیراند یک نفر را پس برای او هر دو است بهشت.

و نیز در آنجا به چند سند و در «ثواب الاعمال» صدوق مروی است که آن حضرت فرمود به صالح بن عقیبه:

مَنْ أُنْشِدَ فِي الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَيْتًا مِنْ شِعْرِ فَبَكَى وَ ابْكَى عَشْرَةَ فَلَهُ وَلَهُمُ الْجَنَّةُ. وَ مَنْ أُنْشِدَ فِي الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَيْتًا مِنْ شِعْرِ فَبَكَى وَ ابْكَى تِسْعَةَ فَلَهُ وَلَهُمُ الْجَنَّةُ. فَلَمْ يَزَلْ حَتَّى قَالَ: وَ مَنْ أُنْشِدَ فِي الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَيْتًا فَبَكَى - وَ أَطْعَمَهُ قَالَ: أَوْ تَبَاكَى - فَلَهُ الْجَنَّةُ. ۱

هر که بخواند یک بیت شعر در مصیبت حسین (علیه السلام) پس بگیرد و بگریاند ده نفر را پس برای او و آن گریه‌کنندگان است بهشت. و هر که بخواند یک بیت شعر در رثای حسین (علیه السلام) پس بگیرد و بگریاند نه نفر را پس برای او و آن‌هاست بهشت. پس پیوسته کم می‌کرد تا آنکه فرمود: هر کس بخواند در مرثیه حسین (علیه السلام) یک بیت شعر بگیرد - و گمانم که فرمود: یا خود را شبیه گریه‌کنندگان کند - پس برای اوست بهشت.

سید ابی‌علی بن طاووس در «لهوف» فرموده:

مَنْ أُنْشِدَ فِي الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَيْتًا مِنْ شِعْرِ فَبَكَى وَ ابْكَى مِائَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ. وَ مَنْ بَكَى وَ ابْكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ. وَ مَنْ بَكَى وَ ابْكَى عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ. وَ مَنْ بَكَى وَ ابْكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ. ۲

از آل رسول (علیهم السلام) روایت شده که فرمودند: هر کس بگیرد و بگریاند درباره ما صد نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بگیرد و بگریاند پنجاه نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بگیرد و بگریاند سی نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بگیرد و بگریاند ده نفر را پس برای اوست بهشت. و هر که بگیرد و بگریاند یک نفر را پس برای اوست بهشت.

و در «رجال شیخ کشی» مروی است: حضرت صادق (علیه السلام) فرمود به جعفر بن عقیل، بعد از آنکه در محضر شریفش اشعاری در مصیبت خوانده آن جناب را گریاند: وَ لَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَكَ يَا جَعْفَرُ، فِي سَاعَتِهِ الْجَنَّةَ. وَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ. فَقَالَ: يَا جَعْفَرُ، أَلَا أَرَيْدُكَ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا سَيِّدِي، قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ عَنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) شِعْرًا فَبَكَى وَ ابْكَى بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ غَفَرَ لَهُ. ۳

هر آینه به تحقیق که خدای تعالی واجب نمود برای تو ای جعفر - را این است بهشت بهشت را با تمام نعمت‌های آن، و خدای تعالی گناهان تو را آمرزید. انگار می‌گوید: ای

۱- کامل الزیارات ص ۱۰۵

۲- مقدمه «لهوف»

۳- رجال کشی، ص ۲۸۹.

جعفر، آیا زیاد کنم برای تو؟ عرض کرد: آری ای آقای من فرمود: نیست احدی که بگوید در مصیبت حسین (علیه السلام) شعری پس بگیرد و بگریاند به آن، مگر آنکه واجب کند خدای تعالی برای او بهشت را و بیامزد او را.

و برای صدق دعوی مذکوره این مقدار اخبار کافی است، و مستفاد می‌شود از تمام آن‌ها آنکه گریانیدن غیر، در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) به خواندن شعر و غیر آن، از باب تئرب و مغفرت و سلامتی در قیامت، و عیش جاودانی در جنت است. و این از نباتات شایعه قدیمه بوده در عصر ائمه (علیهم السلام) و بعد از آن، و قصص و حکایات آن در کتب اخبار و مقاتل موجود است.

و این کتب از سنین اسمی مخصوص نداشتند تا در عصر فاضل متبحر المصنف ملاحسین کاشانی که در حدود سنه نهصد بود،<sup>۱</sup> چون کتاب «روضه الشهداء» را تالیف نمود مرهم مرغی بنمیداد و نمیرسد در خواندن آن کتاب در مجالس مصیبت، و به جهت فصاحت و اغلاق آن کتاب هر کسی را عهده خواندن آن بر نمی‌آمد بلکه اشخاص مخصوصه‌ای بودند که آن را در دست داشتند، در مجالس تعزیه‌داری می‌خواندند، و ایشان معروف شدند به روضه‌خوانان یا روضه‌خوانان.

پس از آن کم‌کم از آن کتاب در آن مجالس نمودند و از آن به خواندن از حفظ، و آن اسم اول بر ایشان ماند. و کتب این روضه اندک اندک بالا گرفت، و برای اصل مقصد که گریانیدن باشد مقدماتی پیدا شد از قصص و حکایات و اشعار و فضایل و زوایج و مسایل فرعی و غیر آن، و فتنی شد مخصوص و مجاز، و کار ترقی آن به آنجا رسید که یکی از علمای اعلام می‌فرمود در مقام مصیبت و راجع به در این اعصار روضه خوانی داخل در علوم شده و علمی شده مخصوص که در تزیین آن گفت:

عِلْمٌ يَبْحَثُ فِيهِ عَنْ عَوَارِضِ أَجْسَادِ الشَّهْدَاءِ وَ مَا يَتَعَلَّقُ بِهَا.

اروضه‌خوانی علمی است که در آن از آنچه بر سر اجساد شهیدان آ

و امور مربوط به آن بحث می‌گردد!

و در این فن از علمای اعلام، و بی‌بهرگان از علم، کتب و رسایل بسیار تالیف شده به نظم و نثر، به زبان عربی و فارسی و ترکی و هندی. و کافه شیعیان در بذل اموال و خدمتگزاری به ابدان و جاه در اقامه مجالس مصیبت و ترتیب ماتمکده‌ی آن

حضرت که اصل و قوام آن به شخص معظم روضه‌خوان است بی‌اختیارند. چه علاوه بر ثوابات اخرویه، در این دنیا از آن، برکات و خیرات بی‌احصا در جان و مال و اولاد خود دیده‌اند. و لهذا کسانی که در سایر مقامات اتفاق و صدقه حتی واجبات آن‌ها مسامحه دارند و اگر دهند از روی شوق و رغبت نیست، در این مرحله با نهایت میل و محبت، و به طبع و رغبت، به مال و جان خدمت کنند. ولکن خدمت روضه‌خوان که رکن اعظم این مجالس شریفه است از خدمت سایرین که این مجالس را برپا کنند اعلی و اشرف است. چه روضه‌خوان خود در زمره‌ی آنان است که در اخبار گذشته و غیره مغفرت و جنت به ایشان دادند، و نیز محسوب است از طایفه‌ای که اعانت می‌کنند مومنین را بر نیکی و پرهیزکاری و کردن اعمال خیریه که خداوند تبارک و تعالی آن‌ها را فرموده در کلام شریفش که: تَغَاوُنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوَى. [در کارهای خیر و پرهیزکاری به یکدیگر یاری دهید].

پس به متضاح چهار بسیاری در ثواب با همه شنوندگان و گریه‌کنندگان و خدمت‌گزاران شرکت می‌کنند. و معلوم خواهند بود، بلکه از خادمان خاص و چاکران سرافراز آن حضرت شمرده می‌شوند. و این منصب عظیم و مقام جلیل فایز و معزز و مکرم، و رواست که بر سایر شیعیان افتخار کنند. ولکن رسیدن به این رتبه عظیم در آمدن در سلک آن طوایف مذکوره، مشروط است به شروطی که عمده آن‌ها در شرط است به نبودن هر یک از آن‌ها زحمت‌ها بی‌فایده و رنج‌ها بی‌ثمر، و مشقت‌ها بی‌نیجه خواهد بود، و نام‌ها از دفترهای آن گروه محو شده یا گاهی در آن ثبت نشده، بلکه اسامی ایشان با داشتن آن دو شرط - العیاذ بالله - یا در دفتر کسبه و تجار یا در دیوان کاذبین و آخرین و خاسرین و مشرکین درج خواهد شد، و در این عبادت جمیله حظی از بندگی خداوند عز و جل و شکرگزاری رسول اکرم و ائمه هدی (علیهم‌السلام) نخواهند داشت.

پس بر هر روضه‌خوانی که عزم نموده بر داخل کردن نفس خویش در این صنف و رسیدن به مقامات عالیه و درجات سامیه و ثواب‌های بی‌نهایت و آرام‌ها و بهشت و اذیت که برای این زمره مهیا نمودند و وعده دادند، لازم است پیش از افعال در این فن، درست کردن این دو شرط و دارایی آن به نحو جزم یا اطمینان بلکه امتحان

داشتن یا نداشتن آن را به میزان عدل که در کف کفایت علمای راسخین و اُمنای شرع مبین است، تا آنکه از کید شیطان و تسویل نفس که بسیار شده و می شود که باطل را به صورت حق، و خطا را در لباس صواب بیرون آورده آسوده شود و کورانۀ خود را در مهالک عظیمه نیندازد.

و آن دو شرط یکی اخلاص است و دیگری صدق که به جای دو پله منبری است که بر آن بالا می رود، که اگر هر دو یا یکی از آن دو صحیح و بی عیب نباشد به روایت افتاد و از فیوضات عرشۀ منبر بالقره محروم خواهد ماند. و شرح این دو شرط در ضمن دو فصل مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی.

www.ketab.ir

## فصل اول (در اخلاص)

مستور نماند که مقصد اصلی و غرض کلی از فرستادن پیغمبران و صحف شریفه آسمانی گشاندن خلایق را به سوی خیر و تبارک و تعالی - و نشان دادن ایشان است به آیات باهره و معجزات الهیه که آن جماعت ذات اقدس یگانه دانای توانای بی نیازی [را] که آفریننده و روزی کننده و نگام دارنده و میراننده و زنده کننده تمام جهانیان است، و احدی غیر از ذات منزه شریف به امر و نصیبی از امور مذکوره نیست. و انبیای عظام و اوصیای کرام (علیهم السلام) به واسطه این شرافیه و براهین کافیه مراتب مسطوره را واضح و هویدا نمودند، و در درآوردن دلها به خیر بار باور کردن و تصدیق نمودن و تسلیم داشتن آنچه فرمودند، و بنا داشتن بر بهره برداری آنچه به آن امر نمودند رنجها کشیدند و ناشایستها شنیدند و مصیبتها دیدند و جان و مال بخشیدند به امید آنکه خلق، پروردگار خود را شناسند، و خود را بنده و عاقل عاجز ذلیل دانند و جز ذات مقدس، خالق و رازق و دافعی نبینند و ندانند. حالت اینها از او بخواهند، از بلا نرسند ردتش را از او مسألت نمایند، سرکشی نمودند و سر و صفح آنرا از او طلبند.

و برای آنان که باور کردند و پیروی نمودند اعمال و آدابی مقرر نمودند بعضی قلبی و بعضی جوارحی که به وسیله آنها اظهار بندگی کنند و اعتراف به عجز و اضطراب و